

رویکرد آیه‌الله جوادی آملی نسبت به روایات تفسیری

حمیده بهمنش*

چکیده

مقاله حاضر مطالبی پیرامون رویکرد آیه‌الله جوادی آملی نسبت به روایات تفسیری در تفسیر تسنیم است. به دلیل پیوند محکمی که بین قرآن و عترت وجود دارد همواره روایات از مهم‌ترین منابع تفسیری بوده‌اند. شناخت رویکردهای روایی مفسران و بررسی گونه‌های بهره‌مندی ایشان از روایات، یکی از شاخه‌های درخور توجه در علوم قرآنی و تفسیر به شمار می‌رود. در دوره معاصر تفسیر تسنیم تنها تفسیر اجتهادی است که جامع روشهای مختلف تفسیری اعم از قرآن به قرآن، روایی و عقلی است که می‌کوشد تا برنامه‌های سعادت آفرین قرآن را به متن زندگی انسان‌ها بیاورد و در این راستا از روایات گهربار معصومین علیهم‌السلام بهره‌ها برده است. این نوشتار از جهت گردآوری کتابخانه‌ای است و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی «رویکرد روایی تفسیر تسنیم نسبت به روایات تفسیری» پرداخته است. هرچند آیه‌الله جوادی آملی حجّیت سنّت را وابسته به قرآن می‌دانند اما جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام را در باطن و نزد خداوند مهم‌تر از قرآن شمرده؛ معتقد به حجّیت سنّت قطعی (اعم از متواتر و خبر واحد همراه با قرائن یقینی) بوده و نقش آنها را در تفسیر قرآن همتای آیات قرآن کریم می‌شمرند. ایشان سنّت قطعی را در تمام روایات تفسیری و خبر واحد ظنی را فقط در خصوص روایات تفسیری فقهی حجّت می‌دانند. استاد مفسر در فهم واژه‌ها و جملات و تأویل (بطن و مراد پنهان) و مصداق آیات از روایات بهره برده و مصادیق آیات قرآن را از باب جری و تطبیق می‌دانند نه تفسیر مفهومی که در اینصورت حتی اگر مصداق کامل باشد غیرمنحصر است و تعددپذیر! مگر در جایی که مصداق مساوی با معنا و تفسیر مفهومی باشد که در این صورت معنا و مصداق منحصر آیه است.

کلید واژه: روایت، حجّیت، واژه، جمله، تأویل، مصداق.

* کارشناس ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء علیها‌السلام، h60behmanesh@gmail.com

مقدمه

در قرآن فقط کلیات دین مطرح شده و تبیین حدود و جزئیات معارف و احکام کلی قرآنی بر عهده معصومین علیهم السلام نهاده شده است و سخنان ایشان عمومات قرآنی را تخصیص زده و مطلقات آن را مقید می‌کند. لذا دین در ارائه‌ی پیام نهایی خود هم به قرآن وابسته است هم به سنت، چنانچه در حدیث قطعی ثقلین نیز تأیید و تصدیق متقابل دیده می‌شود. به دلیل پیوندی که قرآن و عترت با هم دارند روایات از مهم‌ترین منابع تفسیری هستند.

روایات تفسیری روایاتی هستند که به آیات قرآنی نظر دارند و به تبیین و توضیح یا تعیین مصداق مفردات آیات و سور یا موضوعات آنها می‌پردازند، که با توجه به موضوع آیه به روایات کلامی، اعتقادی، فقهی و... تقسیم می‌شوند (رک، نفیسی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۱) بنابراین برای فهم دقیق رهنمودهای قرآن کریم و رسیدن به برنامه سعادت بخش آن پرداختن به روایات تفسیری ضروری است. به همین منظور علمای دینی هر عصری در حدّ توان خود به تفسیر آیات قرآن و تبیین روایات تفسیری پرداختند. لذا رویکرد روایی از رویکردهای مهم تفسیری است که مفسران همواره به آن توجه داشته‌اند.

از میان تفاسیر معاصر تفسیر تسنیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند تفاسیری مثل تفسیر المیزان یا تفسیر الفرقان در خصوص روش تفسیری قرآن به قرآن دقیق و موشکافانه عمل کرده‌اند اما این تفسیر علاوه بر اینکه تکمله‌ای بر تفسیر گران‌سنگ المیزان محسوب می‌شود، به این دلیل که جامع روش‌های تفسیری و دارای نوآوری‌های فراوانی است درخششی خاص یافته است. همچنین با اینکه تفسیر تسنیم با تکیه بر روش تفسیری قرآن به قرآن نوشته

شده اما با اهمیتی که برای عترت علیهم السلام و سنت ایشان قائل است از قرآن بسندگی دوری نموده است. در این تفسیر روایات مورد دقت و تعمق قرار گرفته و لذا با تأکید بر استفاده از روایات صحیح و قطعی، تعامل آیات و روایات رقم زده شده و این امر موجب ارتقاء کیفی این اثر گران بها گردیده است.

آنچه موضوع این نوشتار را تشکیل می دهد بررسی و تعیین زوایای گوناگون تفسیر تسنیم و بیان نحوه بهره‌وری ایشان از روایات با روش توصیفی - تحلیلی است. در ابتدا جایگاه اهل بیت علیهم السلام و حجیت روایات نزد آیه الله جوادی آملی بیان شده و اینکه ایشان برای تبیین معارف قرآنی از قرآن و سنت قطعی در عرض یکدیگر بهره برده اند و سپس نحوه بهره‌مندی ایشان از روایات با ذکر مثال‌هایی توضیح داده شده و مفهوم «تأویل» و «مصادق» در تفسیر تسنیم بیان شده است.

تبیین مسئله

به این دلیل که قرآن برای هدایت بشر فرستاده شده و شامل بهترین و کامل‌ترین برنامه زندگی بشر است، لذا فهم آیات آن ضروری به نظر می‌رسد که به همین منظور علمای دینی هر عصری در حدّ توان خود به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند. به دلیل پیوندی که قرآن و عترت باهم دارند روایات از مهم‌ترین منابع تفسیری هستند که به همین خاطر همه مفسران در تفسیر خود از بیانات ائمه هدی علیهم‌السلام استفاده کرده‌اند. هرچند روش آیة‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم روش قرآن به قرآن است، ولی به این دلیل که روش معصومین علیهم‌السلام نیز روش قرآن به قرآن است، ایشان نیز از روایات بهره‌مند شده‌اند و در مجموع پس از نگاه مستقیم به آیات الهی، به کلام معصومین علیهم‌السلام توجه کرده و تحت عنوان «اشاره» مطالب ارزشمندی را بیان نموده‌اند، حال این سؤالات مطرح می‌شود که گرایش روایی در تفسیر تسنیم از چه جایگاهی برخوردار است؟ و ایشان در تفسیر گران‌قدرشان تا چه اندازه‌ای از روایات استفاده نموده‌اند؟

پیشینه

از جمله مفسران معاصر حضرت آیة‌الله جوادی آملی نگارنده‌ی تفسیر تسنیم است که این تفسیر به منزله مستدرک‌المیزان نیز بوده و به همین دلیل حائز اهمیت است و باعث شده دانش‌پژوهان توجه ویژه‌ای به آن داشتند و در این مورد مقالاتی را ارائه کرده‌اند. از جمله: ۱- «وحدت موضوعی سوره‌ها در تسنیم» از سید مصطفی احمدزاده، ۲- «روش‌شناسی تفسیر تسنیم» از حمیدرضا فهیمی تبار، ۳- «تفسیر تسنیم در ترازوی نقد» از بهروز یدالله پور، ۴- «حجّیت روش تفسیری قرآن به قرآن با تأکید به روایات عرض در تفسیر تسنیم» از مجید معارف و محمدامین تفضلی، ۵- «بررسی روش تفسیر قرآن به عقل در تفسیر تسنیم» از محمدعلی دولت، ۶- «جایگاه روایت در تفسیر تسنیم» از خانم‌ها سهیلا پیروزفر و طاهره ناجی صدره، و دو پایان‌نامه با عناوین: ۱- «بررسی نقش مفردات قرآن کریم در تفسیر تسنیم» از زهرا نعمتی، ۲- «روش‌شناسی تفسیر تسنیم» از زهرا عشقی، که هیچ‌کدام در مورد رویکرد روایی بحث نکرده‌اند ولی بحث ما در

مورد رویکرد روایی آیه‌الله جوادی در تفسیر تسنیم است. ایشان ده‌ها کتاب نگاشته‌اند که کتاب‌های «همتایی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام» و «وحی و نبوت در قرآن» و «پیامبران در قرآن» به عنوان نمونه ذکر گردید.

روش آیه‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم

آیه‌الله جوادی آملی نیز شیوه تفسیر قرآن به قرآن که همان شیوه تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام هست را بهترین و کامل‌ترین شیوه تفسیری قرآن می‌دانند (تسنیم، ۱۳۹۶ش، ج ۱، ص ۶۱). در بیان ایشان قرآن کریم هم در اصل حجّیت و هم در تبیین خطوط کلی دین مستقل است، یعنی حجّیت آن ذاتی است و با خودش تفسیر می‌پذیرد. در سراسر قرآن از نظر تفسیری مطلب تیره و مبهمی نیست، زیرا اگر الفاظ آیه‌ای به تنهایی نتواند مطلوب خود را بیان کند، آیات دیگر قرآن کاملاً عهده‌دار روشن شدن اصل مطلب خواهد بود، اما تبیین جزئیات، خصوصیات و حدود آن خطوط کلی با رهنمود خود قرآن کریم به عهده رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. پس از دوران رسالت نیز با رهنمود حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث تقلین این سمت به امامان اهل‌بیت علیهم‌السلام سپرده‌شده است (همان، ص ۷۳). قرآن بسندگی در قرون اول به معنای ردّ حجّیت سنت بوده ولی در قرون معاصر صرفاً بیانگر این است که روایات و سنت مطلبی افزون بر قرآن ندارند!

جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام و ضرورت رجوع به سنت

ایشان درباره‌ی قرآن کریم آورده‌اند: قرآن طلبکاری است که هرگز وام او پرداخت نمی‌شود و غریبی است که هیچ‌گاه حق او ادا نخواهد شد: «القرآن غریمٌ لا یُقْضی دَینُهُ وَغریبٌ لا یُؤدّی حَقُّهُ»، زیرا اوج معارف آن و عمق مطالب آن فقط در دسترس معصومین علیهم‌السلام است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ، فِی کِتَابٍ مَّکْنُونٍ، لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعہ: ۷۷ - ۷۹). از این جهت در تعریف مفهوم تفسیر قرآن، قید «به‌قدر طاقت بشری» اخذ شده است. بنابراین ضمن لزوم بصیر و بینا بودن مفسّر لازم است برای بهره‌وری بیشتر از معارف قرآن کریم به «مطهّرون» که همان اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند

خاتمه

چون قرآن کلیات را مطرح می‌کند و انسان از درک آن عاجز است، خداوند حکیم برای تبیین جزئیات آیات و احکام الهی، انسان‌ها را به ائمه علیهم‌السلام که بنابر آیه قرآن مصداق «مطهرون» هستند و بنابر حدیث ثقلین با هم متحدند و پیوند ناگسستنی با قرآن دارند؛ ارجاع می‌دهد. سخنان اهل بیت علیهم‌السلام مخصّص عموماً قرآنی و مقید مطلقاً آن است پس نباید در تفسیر بین این دو جدایی افکند یعنی برای فهم دین هم محتاج قرآن هستیم و هم سنت، بنابراین برای تفسیر آیات قرآن باید به سنت رجوع کنیم.

آیه‌الله جوادی آملی جایگاه حقیقی اهل بیت علیهم‌السلام را نزد خداوند و در باطن عالی‌تر از قرآن می‌دانند، ولی می‌فرمایند که در نشئه‌ی ظاهر این دو همتای یکدیگرند و طبق حدیث شریف ثقلین پیوند ناگسستنی دارند، هرچند قرآن ثقل اکبر است و عترت ثقل اصغر! و این به خاطر حجّیت ذاتی قرآن نسبت به سنت معصومین علیهم‌السلام است. حجّیت سنت در طول حجّیت قرآن قرار دارد و به آن وابسته است. اگر سنت قطعی باشد که به معصومین علیهم‌السلام منسوب هستند و مثل قرآن منتسب به خداوند می‌شوند، لازم نیست به قرآن عرضه شوند. ولی چون احادیث در معرض جعل و تحریف قرار دارند، حجّیت سنت غیرقطعی (خبر واحد) در گرو تصدیق قرآن است و پس از عرضه به قرآن و عدم مخالفت آن‌ها با قرآن، برای تفسیر حجّت و هم‌پایه‌ی قرآن قرار می‌گیرند. با اینکه قرآن حجّیت ذاتی دارد اما مانند سنت حجّیتش منحصر به فرد نیست و برای رسیدن به فهم کامل از دین باید سه حجّت قرآن، سنت و عقل در کنار هم بررسی شوند و هرگز به تنهایی حجّیت لازم را ندارند و راهگشا نیستند. لذا استاد بزرگوار در امر تفسیر، قرآن و سنت را در عرض هم برای رسیدن به حدّ نصاب حجّیت دینی لازم و مکمل می‌دانند. یعنی اگر روایتی از جهت سند و متن، خبر متواتر یا خبر واحد قطعی شناخته شد، مانند قرآن در همه‌ی مسائل علمی و عملی حجّت است. ولی روایات ظنی‌الصدور (خبر واحد غیر قطعی) تنها در فقه و از باب تعبد حجّیت دارند و در مسائل اعتقادی فرعی و مسائل علمی صرفاً در حدّ احتمال قابل

پذیرش بوده و در حدّ اسناد ظنی می‌توان به معصوم علیه السلام نسبت داد. از دیدگاه ایشان سنت قطعی که حجت است باید دارای این شرایط باشد:

- | | | |
|---|---------------|----------|
| الف: یا متواتر باشد. | } ۱. اصل صدور | } از جهت |
| ب: یا خبر واحد همراه با قرینه قطعی باشد. | | |
| ۲. جهت صدور تقیّه نباشد. | | |
| ۳. دلالت آن نص باشد نه ظاهر، و مخالفت تباینی با قرآن نداشته باشد. | | |

استاد مفسر در بیان مفهوم واژه‌ها و جملات آیات و نیز در مصداق و تأویل و تفسیر باطنی برخی آیات از روایات بهره برده‌اند. ایشان آیات قرآن را دارای ظاهر و باطن می‌دانند و تأویل آیات قرآن را به معنی بیان مراد پنهان آیات یعنی همان باطن می‌شمردند، بنابراین آنچه که در ظاهر آیه‌ای محال عقلی به نظر می‌رسد را با راهنمایی ظاهر آیات دیگر و سنت معصومین علیهم السلام تأویل می‌کنیم.

از نظر ایشان مصادیق و تطبیق آیات قرآن از باب جری هستند و معنا و تفسیر مفهومی نیستند و چون آیات کلیات را بیان می‌کنند، دارای مصادیق متعدّدند و محدود و منحصر در فرد یا زمان نمی‌شوند، حتی اگر مصداق کامل هم باشند غیر منحصرند! مگر اینکه با توجه به قرائن مصداق مساوی با معنا و تفسیر مفهومی آیه محسوب شود که دیگر جری و انطباق در آن راه ندارد و تعدّد پذیر نیست و در این صورت برای آیه مصداق منحصر است!

بنابراین در جایی که می‌فرمایند این مصداق معنای منحصر آیه است، یعنی مصداق برابر معنا و تفسیر مفهومی آیه در نظر گرفته شده و لذا معنای آیه در آن مصداق محدود و منحصر بوده و تعدّد پذیر نخواهد بود. مثل مصداق آیات

«ولایت» و م «باهله» و «مطهرون». اما غالباً مصادیق آیات از باب جری و تطبیق بوده و معنا و تفسیر مفهومی نیست.

براین اساس هرچند مصداق کامل آیه باشند باز هم تعدد پذیر و غیر منحصرند!

کتابنامه

• قرآن کریم

- شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغه (للمصباحی صالح)، محقق / مصحح صالح، صبحی، چاپ اول، قم، ناشر: هجرت.
- علی بن حسین، امام چهارم، ۱۳۹۱ ش، صحیفه سجّادیّه، مترجم حسین انصاریان، چاپ اول، تهران، نشر: گلبان.
- ۱. ابراهیمی فر، عبدالجواد، ۱۳۹۰ ش، المنطق التعليمی مؤلف علّامه مظفر، چاپ نهم، قم: انتشارات دارالفکر.
- ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، علل الشرائع، چاپ اول، قم: ناشر کتاب فروشی داوری.
- ۳. اصغری، سیّد عبدالله، ۱۳۶۸ ش، شرح فارسی بر أصول الفقه شیخ محمّدرضا مظفر، قم: انتشارات ناصر.
- ۴. ایرانی قمی، اکبر، ۱۳۷۱ ش، روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۵. بحرانی، سیّد هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ ش، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق / مصحح قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثه، چاپ اول، قم: ناشر مؤسسه بعثه.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۶ ش، تسنیم تفسیر قرآن کریم، تحقیق و تنظیم شهرودی، رزقی و اشرافی، حسین، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۷. حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، ۱۴۰۹ ق، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، محقق / مصحح مدرسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام المهدی عليه السلام.
- ۸. خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۳۰ ق، البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- ۹. رضایی اصفهانی، محمّد علی، ۱۳۸۵ ش، منطق تفسیر قرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۱۰. صفّار، محمّد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیهم، محقق / مصحح کوجه باغی، محسن بن عباسعلی، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۱۱. طباطبایی، سیّد محمّد حسین، ۱۳۵۳ ش، قرآن در اسلام، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۱۲. طباطبایی، سیّد محمّد حسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، لبنان - بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح یزدی طباطبایی، فضل الله و رسولی، هاشم، ایران - چاپ سوّم، تهران، ناشر: ناصر خسرو.

۱۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، **تفسیر نور الثقلین**، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، چاپ چهارم، قم: ناشر اسماعیلیان.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، **کتاب التفسیر (تفسیر العیاشی)**، محقق / مصحح رسولی محلاتی، سید هاشم، چاپ اول، تهران: ناشر المطبعة العلمية.
۱۶. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۶۶ ش، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**، مترجم مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، **تفسیر الصافی**، چاپ دوم، تهران: ناشر مکتبه الصدر.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، **الجامع لأحكام القرآن**، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹ ش، **أصول الکافی**، مترجم مصطفوی، سید جواد، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، **بحار الأنوار (ط - بیروت)**، چاپ دوم، بیروت: ناشر دار إحياء التراث العربی.
۲۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، **الإختصاص**، محقق / مصحح غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، چاپ اول، قم: ناشر الموتر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۲۲. نفیسی، شادی، ۱۳۸۹ ش، **علامه طباطبایی و حدیث (روش شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان)**، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.